


The Role of Banī Sahlm ibn ʿAmr in the Formation and Consolidation of the Succession of the First Caliphs

Ibrahim Rezai Kaliri  / Graduate of Level Four, Specialized Center for Shiite Studies

Received: 2025/09/21 - Accepted: 2025/10/01

e.r181359@gmail.com


Abstract

Following the demise of the Prophet Muhammad (PBUH), the initial model for selecting a caliph was established without reliance on a divine text (naṣṣ). This model faced widespread opposition and crises, and for its consolidation, it depended on the economic, military, political, and cultural power of the Quraysh clans, particularly the Banī Sahlm ibn ʿAmr. Utilizing a descriptive-analytical method and drawing upon both Shiʿa and Sunni historical and hadith sources, this research investigates the dimensions of this clan's influence on the formation and stabilization of the succession of the first caliphs. The findings indicate that despite its moderate population size, Banī Sahlm played a significant role in the political and military developments of early Islam. During the Prophet's era (PBUH), most of the clan's notables were among his opponents, and their defeat in battles engendered a profound enmity towards Amir al-Mu'minīn (Imam Ali) (AS). During the caliphates of Abū Bakr and ʿUmar, particularly through the activities of ʿAmr ibn al-ʿĀṣ, Banī Sahlm actively participated in the conquests and the consolidation of the governmental structure. The era of ʿUthmān witnessed a decline in their status and their alignment with protest movements. During the rule of Amir al-Mu'minīn (AS), a significant segment of this clan positioned itself in opposition and supported Muʿāwiyah. A comparative examination of these periods reveals that the political standing of Banī Sahlm was consistently variable and contingent upon their interactions with the central authority.

Keywords: Banī Sahlm ibn ʿAmr, Quraysh, succession of the Prophet (PBUH), First Caliphs, ʿAmr ibn al-ʿĀṣ.

نقش بنی‌سهم بن عمرو در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین

e.r181359@gmail.com

ابراهیم رضائی کلیری  / دانش‌آموخته سطح چهار مرکز تخصصی شیعه‌شناسی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

چکیده

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نخستین الگوی انتخاب خلیفه بدون اتکا بر نص شکل گرفت؛ الگویی که با مخالفت‌ها و بحران‌های گسترده‌ای روبه‌رو شد و برای تثبیت خود، به قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی بطون قریش، به‌ویژه بطن بنی‌سهم بن عمرو تکیه داشت. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع تاریخی و حدیثی شیعه و سنی، ابعاد تأثیرگذاری این بطن را در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که با وجود جمعیت متوسط، بنی‌سهم نقش مؤثری در تحولات سیاسی و نظامی صدر اسلام ایفا کرده است. در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، بیشتر بزرگان این قبیله در صف مخالفان قرار داشتند و شکست در نبردها، دشمنی عمیق آنان با امیرالمؤمنین علیه السلام را رقم زد. در خلافت ابوبکر و عمر، به‌ویژه با فعالیت عمرو بن عاص، بنی‌سهم در فتوحات و تثبیت ساختار حکومتی مشارکت فعال داشتند. دوران عثمان با کاهش جایگاه و پیوستن به اعتراض‌ها همراه بود. در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، بخش عمده‌ای از این قبیله در جبهه مخالف قرار گرفت و از معاویه حمایت کرد. بررسی تطبیقی دوره‌ها نشان می‌دهد جایگاه سیاسی بنی‌سهم همواره متغیر و تابعی از تعامل آنان با قدرت مرکزی بوده است.

کلیدواژه‌ها: بنی‌سهم بن عمرو، قریش، جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، خلفای نخستین، عمرو بن عاص.

پس از رحلت رسول اکرم ﷺ، نخستین چالش بنیادین جامعه اسلامی، مسئله تعیین جانشین ایشان بود. از منظر شیعه، پیامبر ﷺ در طول زندگی خود، در مناسبت‌های مختلف، بارها فرد واجد شایستگی را برای جانشینی معرفی کرده بودند؛ اما این نص صریح پس از رحلت ایشان نادیده گرفته شد و مسیر خلافت به سوی دیگری حرکت کرد. تحقق و تثبیت این ساختار، نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای پیچیده سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بود. در این فرایند، قبیله قریش، به‌ویژه یکی از شاخه‌های مهم آن، یعنی «بنی‌سهم» نقشی کلیدی و اثرگذار در پیشبرد اهداف سیاسی و اجتماعی ایفا کرد.

کعب دارای سه فرزند به نام‌های عمرو، عدی (بنی‌عدی) و مره بود. عمرو نیز فرزندی به نام هصیص داشت و او صاحب دو فرزند به نام‌های سهم و جمح بود. از این‌رو قبایل منشعب از این دو، به «بنی‌سهم» و «بنی‌جمح» شناخته می‌شوند.^۱ این بطن‌ها از نظر نسب، در جد هشتم رسول خدا ﷺ، یعنی کعب بن لؤی، به یکدیگر می‌رسند؛ اما نسل پیامبر اکرم ﷺ از طریق برادر عمرو، یعنی مره بن کعب، ادامه یافته است.

بر اساس نقل‌های تاریخی از مسعودی در *مروج الذهب*،^۲ زبیری در نسب قریش،^۳ ابن‌سلام در *النسب*،^۴ ابن‌حزم در *جمهرة انساب العرب*،^۵ خلیفه بن خیاط در *الطبقات*،^۶ و یعقوبی در *تاریخ*،^۷ بنی‌سهم از بطون «قریش بطاح» محسوب می‌شود؛ یعنی گروه‌هایی که در کنار کعبه سکونت داشتند، برخلاف «قریش ظواهر» که در بیابان‌های اطراف مکه زندگی می‌کردند.^۸

پژوهش حاضر با استناد به منابع معتبر کتابخانه‌ای شیعه و اهل سنت، از طریق شناسایی افراد وابسته به قبیله بنی‌مخزوم بن یقطه و تحلیل رفتار و فعالیت‌های آنان و با بهره‌گیری از روش «توصیفی - تحلیلی»، در پی پاسخ به این پرسش کلیدی است که نقش قبیله بنی‌سهم در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی تا چه اندازه در شکل‌گیری و تثبیت خلافت خلفای نخستین پس از وفات پیامبر اکرم ﷺ مؤثر بوده است.

با وجود انجام پژوهش‌های متعدد تاریخی درباره مسئله جانشینی نخستین، تاکنون مطالعه‌ای مستقل که به‌طور

۱. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۳۸۶؛ عمر رضا کحاله، معجم قبائل العرب، ج ۲، ص ۵۶۰.

۲. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۱۲.

۴. قاسم بن سلام ابن‌سلام، کتاب النسب، ص ۲۱۸.

۵. علی بن احمد ابن‌حزم، جمهرة انساب العرب، ص ۴۶۴.

۶. خلیفه بن خیاط، طبقات، ص ۶۳.

۷. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۳۸.

۸. یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۴.

ویژه به بررسی جایگاه و نقش قبیله بنی سہم بن عمرو در این زمینه پرداخته باشد، منتشر نشده است. نزدیکترین پژوهش‌ها در این حوزه عبارت‌اند از:

- کتاب *تاریخ قریش*^۱ این اثر به تفصیل به تاریخ عرب، پیدایش قریش، اقدامات قصی، هاشم و عبدالمطلب، مواجهه قریش با اسلام در دوران مکی و مدنی، و تحولات پس از فتح مکه می‌پردازد. همچنین دولت‌های اموی، عباسی و علوی را بررسی کرده است.

- کتاب *بطون قریش؛ دراسة مواجهة بطون قریش للنبی و الإسلام إلى یومنا هذا*^۲ موضوع اصلی کتاب نشان دادن مخالفت بطون قریش با رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و مسئله غضب جانشینی است. نویسنده شواهد و مدارک فراوانی ارائه کرده و بخشی از کتاب را به آیات و روایات در مذمت قریش اختصاص داده است. صد صفحه پایانی کتاب نیز به موضوعاتی همچون اجبار مسلمانان به تقدیس خلفا، تأثیر غضب خلافت در جهان اسلام، منصور دوانیقی، عثمانیان، اهل بیت ﷺ و دشمنی وهابیت پرداخته است.

- کتاب *قریش من القبيلة إلى الدولة المركزية*^۳ این کتاب در پی اثبات این ادعاست که چگونه قریش از یک قبیله به یک دولت مرکزی تبدیل شد و نقش رسول خدا ﷺ در این فرایند چه بود.

- کتاب *صراع قریش مع النبی ﷺ*^۴ این اثر در سه فصل به اقدامات قریش علیه رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ از پیش از بعثت تا هجرت، از فتح مکه تا وفات پیامبر، و فعالیت‌های قریش در حجةالوداع می‌پردازد.

با توجه به معرفی این آثار، روشن می‌شود که در آنها قبایل قریش، از جمله قبیله بنی سہم بن عمرو به صورت تفکیک شده بررسی نشده‌اند و جایگاه این قبیله در دوران جاهلیت، عصر اسلامی و دوره خلفای سه‌گانه و نقش آن در شکل‌گیری و تثبیت خلافت مد نظر قرار نگرفته است.

۱. بنی سہم بن عمرو در دوران جاهلیت

قبیله بنی سہم از بطون قریش بود که در زمره «حلف الأحلاف» قرار داشت،^۵ بلکه خود بنی سہم برای مقابله با «حلف المطیبین» این پیمان را پایه‌گذاری کردند.^۶ آنان در پیمان «حلف الفضول» عضویت نداشتند،^۷ اما نقش

۱. حسین مؤنس، تاریخ قریش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۵.

۲. علی کورانی، بطون قریش؛ دراسة مواجهة بطون قریش للنبی و الإسلام إلى یومنا هذا، قم، معروف، ۱۴۴۵ق.

۳. خلیل عبدالکریم، قریش من القبيلة إلى الدولة المركزية، بیروت، الإنتشار العربی، ۱۹۹۷.

۴. علی کورانی، صراع قریش مع النبی ﷺ، قم، دارالمهدی، ۱۴۲۷ق.

۵. عبدالملک بن هشام ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۳؛ نیز رک. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۷؛ علی بن

ابراهیم حلبی، السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۲۲.

۶. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ محمد بن حبیب بغدادی، المنمق، ص ۵۰.

۷. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۰.

مؤثری در شکل‌گیری آن ایفا کردند؛ زیرا عاص بن وائل سهمی از پرداخت بهای کالای مرد یمنی امتناع ورزید و این اقدام موجب شد زبیر بن عبدالمطلب و برخی قبایل مهم قریش جلسه‌ای مشورتی تشکیل دهند و با ایجاد «حلف الفضول» کالای مرد یمنی را بازگردانند.^۱

این قبیله از نخستین گروه‌هایی بود که ظلم و ستم را در مکه آغاز کرد.^۲ دزدیدن حله‌ها و طلاهای کعبه توسط مقیس بن قیس بن عدی و قطع دست او در جاهلیت، از شواهد این ادعاست.^۳ شاید به همین علت، امیرالمؤمنین علیه السلام از افراد این قبیله با عنوان «فراعنه» یاد کرده است.^۴

ریاست بنی‌سهم را حارث بن قیس برعهده داشت^۵ و در جنگ‌های فجار، عاص بن وائل^۶ و عبدالله بن عدی^۷ رهبری این بطن را بر عهده داشتند. بنی‌سهم به ریاست حارث بن قیس، همزمان با ظهور اسلام، یکی از ده بطنی بود که شرافت و سیادت قریش به آن منتهی می‌شد.^۸ قیس بن عدی بن سعد بن سهم، عاص بن وائل و هاشم بن سعید بن سهم، از جمله حکام عرب در دوران جاهلیت، از این قبیله بودند.^۹

در اداره مکه نیز بنی‌سهم مشارکت فعال داشت.^{۱۰} قضاوت در میان مردم و سرپرستی اموال جمع‌آوری‌شده برای بت‌ها در زمان جنگ یا صلح، برعهده این قبیله^{۱۱} و به‌ویژه حارث بن قیس سهمی بود.^{۱۲} در واقعه بازسازی خانه خدا، بنی‌سهم در ساخت بخش بین رکن یمانی و رکن اسود^{۱۳} و پشت‌بام خانه خدا^{۱۴} با سایر قبایل همکاری داشت.

۱. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۰؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۲.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۰.

۳. محمد بن حبیب بغدادی، المنطق، ص ۴۲۱.

۴. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۸۴.

۵. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۱۷.

۶. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۲؛ ج ۲۳، ص ۳۱۲.

۷. علی بن احمد ابن حزم، جمهرة انساب العرب، ص ۱۶۵.

۸. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۲۴، ص ۱۱۷.

۹. محمد بن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۱۳۳؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۸، ص ۶۶.

۱۰. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۹۱.

۱۱. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم، ج ۲، ص ۲۱۷.

۱۲. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۲۴۹.

۱۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۹.

۱۴. عبدالملک بن ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۲۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۴۱؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر،

البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۳۶۹.

عاص بن وائل ۱ یا قیس بن عدی سهمی نیز از جمله چهار تنی بود که به نمایندگی از قبیله بنی سهم در نصب حجرالاسود به رسول خدا ﷺ کمک کرد.^۲

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این قبیله در تحولات سیاسی و اجتماعی مکه نیز تأثیرگذار بوده است. حمایت بنی سهم از بنی عدی در برابر فشار عبد شمس برای اخراج آنان از مکه،^۳ دفاع بنی سهم از بنی عدی و جلوگیری از اخراج آنان توسط حرب بن امیه،^۴ ایستادگی در کنار بنی زهره برای جلوگیری از تبعید آنان از مکه،^۵ حمایت از بنی عبدالدار در برابر بنی عبد مناف برای تصاحب کلید خانه خدا، و پشتیبانی از بنی عدی در برابر بنی جمح،^۶ همگی نشان‌دهنده جایگاه مقتدر و تأثیرگذار این قبیله در معادلات قریش است؛ جایگاهی که آنان را در سطح رقابت با قبایل بزرگ مکه قرار می‌داد.

در عرصه فرهنگی نیز شاعران این قبیله قابل توجه‌اند. عمرو بن عاص از جمله شاعران فعالی بود که اشعار فراوانی سرود^۷ و در اشعار هفتاد بیتی خود، رسول خدا ﷺ را هجو کرد. پیامبر نیز او را نفرین نمودند.^۸

عبدالله بن زبیری،^۹ دیگر شاعر برجسته بنی سهم، به اجماع از شاعرترین شخصیت‌های قریش در عصر جاهلیت بود.^{۱۰} او با اشعار خود پیامبر ﷺ را هجو می‌کرد و مشرکان را در جنگ‌های مشرکان علیه ایشان تحریک می‌نمود.^{۱۱} ابن کثیر او را از بزرگ‌ترین دشمنان اسلام دانسته است که از قدرت شعر خود علیه مسلمانان نهایت استفاده را کرد.^{۱۲}

عبدالله بن حارث بن قیس^{۱۳} و کثیر بن کثیر بن مطلب نیز از شاعران این قبیله‌اند که دومی شیعه بود.^{۱۴}

۱. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۲. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۴۶؛ احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰.

۳. محمد بن حبیب بغدادی، المنق، ص ۸۰-۸۱.

۴. همان، ص ۹۴؛

۵. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۰.

۶. همان.

۷. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۸۸.

۸. عبدالحمید بن هبةالله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۹۱.

۹. محمد بن محمد زبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۴۵۵.

۱۰. علی بن ابی‌الکریم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۱۵۹؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۰۴.

۱۱. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم، ج ۴، ص ۲۰۰.

۱۲. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۳۵۴.

۱۳. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۸۸۵.

۱۴. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۶.

نخستین شعر سروده‌شده در رثای امام حسین علیه السلام نیز متعلق به عقبه بن عمرو، شاعر سهمی، است.^۱ همچنین عامر بن حدیفه عدوی از بزرگان قریش و از افراد این قبیله، در نسب‌شناسی تبخر داشت.^۲ شواهدی نیز از وضعیت اقتصادی مناسب بنی‌سهم در میان قبایل قریش وجود دارد. مقایسهٔ عمرو بن عاص با خانوادهٔ عمر بن خطاب، اختلاف سطح معیشت دو قبیله را نشان می‌دهد؛ جایی که لباس پشمی با دکمه‌های طلای عاص بن وائل در برابر عبای پشمین عمر که تا بالای زانویش بود، مورد اشاره قرار گرفته است.^۳ روایت اسارت ابووداعه سهمی در جنگ بدر و پرداخت چهارهزار درهم^۴ برای آزادی او نیز گواهی بر ثروت فرزندش، مطلب است.^۵ افزون بر این، گزارش زبیری از بی‌نیازی عمرو بن عاص هنگام پذیرش اسلام، جایگاه اقتصادی او و قبیله‌اش را تأیید می‌کند.^۶ بلاذری نیز تصریح می‌کند که بنی‌سهم از «ثروت، جمعیت و نیروی بازدارنده» برخوردار بود: «و کان فی سهم ثروة و عدد و منعة».^۷

ارتباطات نسبی بنی‌سهم با قبایل خلفا نیز قابل توجه است. شکل‌گیری قبیلهٔ بنی‌سهم حاصل ازدواج الوف بنت عدی از قبیلهٔ خلیفهٔ دوم با عمرو بن هصیص، پدر سهم بوده و همین موضوع موجب تقویت رابطهٔ بنی‌سهم و بنی‌جمح با بنی‌عدی در برخی دوره‌ها شده است.^۸ یکی از مادر بزرگ‌های عمر، یعنی شفاء مادر ام‌حنتمه (مادر عمر) نیز دختر عبد قیس از قبیلهٔ بنی‌سهم است.^۹ ابوبکر، خلیفهٔ اول نیز با یکی از دختران عدی بن قیس بن حذافه ازدواج کرده بود.^{۱۰}

بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، جمعیت بنی‌سهم در کتاب نسب قریش زبیری، ۷۲ تن ذکر شده که در مقایسه با سایر بطون قریش، در رتبهٔ هفتم قرار دارد.^{۱۱} ابن‌حبیب بغدادی^{۱۲} و بلاذری^{۱۳} نیز بنی‌سهم را از بزرگ‌ترین قبایل قریش از

۱. محمد بن محمد بن نعمان مفید، الامالی، ص ۳۳۴؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۹۵.

۲. محمود بن احمد بدرالدین عینی، عمدهٔ القاری، ج ۴، ص ۹۳.

۳. عمرو بن بحر جاحظ، الحيوان، ج ۵، ص ۵۸۷.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۵۸.

۵. احمد بن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۹.

۶. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۹ و ۱۰.

۷. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۰.

۸. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۳۴۶؛ محمد بن حبیب بغدادی، المنمق، ص ۸۱.

۹. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۰۳.

۱۰. همان، ص ۴۰۵.

۱۱. مصطفی پیرمردیان و مهدی عزتی، ساکنان مکه (تأملی بر چگونگی ساکنان مکه و میزان جمعیت قریش در آستانهٔ ظهور اسلام)، ص ۱۲۸.

۱۲. محمد بن حبیب بغدادی، المنمق، ص ۱۱۱.

نظر جمعیت دانسته‌اند. زبیری معتقد است که بنی‌سهم از نظر جمعیت همتراز بنی‌عبد مناف بود، اما به سبب حوادث مرگ‌آور، تعدادش کاهش یافت.^۱ شأن نزول آیات سوره تکوین نیز به فخر فروشی آنان در کثرت جمعیت نسبت داده شده است.^۲

جدول ۱: شمار اسامی ذکر شده از قبایل قریش در کتاب نسب قریش (ساکنان مکه، س ۱۲۸)

نوفل	محارب	مطلب	تیم	زهره	اسد	عبدالدار	سهم	جمح	حارث	عدی	عامر	امیه	مخزوم	بطن
۲۶	۳۴	۳۵	۳۹	۴۱	۶۳	۶۶	۷۲	۸۴	۱۰۷	۱۲۱	۱۶۱	۱۷۰	۱۸۷	تعداد

ابراهیم حسن، قبیله بنی‌سهم را یکی از بطون ممتاز و چندبُعدی قریش می‌داند که هم از حیث سیادت و شرافت، و هم در اداره امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مکه، نقش برجسته‌ای داشت. به باور او، مسئولیت‌هایی همچون حکمیت و قضاوت، نظارت بر اموال وقف‌شده و مدیریت اقتصادی، بیانگر اعتماد عمومی به تدبیر و کارآمدی این قبیله بوده است.

شخصیت‌هایی مانند عمرو بن عاص در حوزه اقتصادی و قیس بن عدی در عرصه عزت و اقتدار، جایگاه بنی‌سهم را تقویت کرده‌اند. همچنین حضور شاعرانی همچون عبدالله بن زبیری، بعد فرهنگی این قبیله را نمایان ساخته و برخی فضایل اخلاقی، همچون کرم و مهمان‌نوازی، جلوه‌هایی از قدرت اجتماعی و فرهنگی آنان به شمار می‌رود. بدین‌سان، بنی‌سهم با ترکیب سرمایه‌های مادی و نمادین، جایگاهی محوری در میان قبایل قریش به دست آورد.^۳

۲. بنی‌سهم بن عمرو در دوران نبوی

قبیله بنی‌سهم بن عمرو از جمله قبایل برجسته قریش بود که از آغاز بعثت تا رحلت پیامبر اکرم ﷺ، حضوری فعال در تحولات سیاسی، نظامی و اجتماعی صدر اسلام داشت. منابع تاریخی شیعه و اهل سنت نشان می‌دهند که برخی شخصیت‌های این قبیله از نخستین مسلمانان به شمار می‌رفتند؛ از جمله هشام بن عاص بن وائل،^۴ قیس بن حذافه

۱۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۰.

۱. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۰۱.

۲. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۶۹؛ کمال الدین محمد بن عبدالواحد ابن همام، فتح القدير، ج ۵، ص ۴۴۸.

۳. حسن ابراهیم حسن، تاریخ عمرو بن عاص، ص ۲۳ و ۲۴.

۴. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۸۳؛ محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۱۹۱؛ محمد بن عبدالله حاکم

نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۴۰؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۳۹.

بن قیس بن عدی،^۱ عبدالله بن حذافة بن قیس^۲ و ابوقیس بن حارث بن قیس بن عدی^۳ که از آنان با عناوینی همچون «قدیم الاسلام»، «اسلم قدیماً» و «کان من السابقین» یاد شده است.

در مقابل، برخی دیگر از اشراف این قبیله، مانند عاص بن وائل^۴ و نبیه و منبه فرزندان حجاج،^۵ از دشمنان سرسخت رسول خدا ﷺ بودند.

یکی از نخستین نمونه‌های مخالفت بنی‌سهم، مشارکت آنان در توطئه قتل پیامبر اکرم ﷺ بود که در دارالندوه طرح‌ریزی شد. منبه و نبیه، همراه با دیگر اشراف قریش، پیشنهاد دادند که از هر قبیله یک جوان شجاع برای کشتن پیامبر انتخاب شود و دیه او میان قبایل تقسیم گردد. این نقشه با هشدار جبرئیل^۶ و هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، ناکام ماند و امیرالمؤمنین^۷ جان پیامبر را در بستر حفظ کرد.^۸

با آغاز هجرت و شکل‌گیری جامعه مدینه، برخی اعضای بنی‌سهم در نبردهای مهم شرکت فعال داشتند. بنا بر نقل بلاذری، در نبرد بدر، چهار تن از بنی‌سهم به نام‌های منبه و نبیه فرزندان حجاج، ابوالعاص بن قیس و عاصم بن ابی‌عوف کشته شدند^۹ و چهار تن نیز به اسارت درآمدند.^{۱۰} برخی منابع از کشته شدن چهار تن دیگر نیز خبر داده‌اند.^{۱۱} این حضور گسترده، اهمیت نظامی قبیله را نشان می‌دهد. نقش امیرالمؤمنین^{۱۲} در کشتن برخی از کشته‌شدگان این نبرد نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند بر روابط بعدی قبیله با مسلمانان تأثیرگذار بوده باشد.

در نبرد احد، عمرو بن عاص و ابن زبیری، شاعر بنی‌سهم، حضور داشتند. این دو پیش از جنگ، از جمله کسانی

۱. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۵، ص ۳۵۱؛ علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۴، ص ۲۱۱.

۲. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۵۰؛ علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۴۲؛ یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۸۸.

۳. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۱۹۴؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۲.

۴. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۴۴.

۶. «وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْتُوكَ أَوْ يَتْلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ» (انفال: ۳۰).

۷. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۳، ص ۲۱۶؛ عبدالملک بن ابن‌هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۳۰-۳۳۴.

۸. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۳۰۱.

۹. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۴۲؛ خلیل بن ابی‌بکر صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۱۰، ص ۲۵۱؛ یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب،

ج ۱، ص ۱۹۲؛ علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۱۶.

۱۰. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۰۴ و ۴۰۵؛ علی بن احمد ابن‌حزم، جمهرة انساب العرب، ص ۱۶۴ و ۱۶۵؛ احمد بن یحیی

بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۵.

بودند که به جمع‌آوری نیرو در میان قبایل پرداختند^۱ و در میدان نبرد نیز با سرودهای هجو و تحریک قریش، تلاش کردند روحیه مسلمانان را تضعیف کنند.^۲ بنا بر نقلی، فرماندهی دویست سوارکار در این نبرد برعهده عمرو بن عاص بود.^۳ در سوی رسول خداﷺ نیز خنیس بن حذافة بن قیس، همسر حفصه،^۴ و ابوقیس بن حارث بن قیس^۵ فعال بودند. در نبرد خندق نیز ابن‌زبیری حضور داشت و اشعاری در تشویق و تحریک قرشیان علیه رسول خداﷺ سرود.^۶ عمرو بن عاص نیز همراه با برخی اشراف قریش تلاش داشت با نفوذ از خندق، به لشکر مسلمانان ضربه بزند، اما موفق نشد.^۷ گفته شده که عمرو بن عاص پس از نبرد خندق و پیش از صلح حدیبیه، اسلام آورد.^۸ با کشته شدن عمرو بن عبدود به دست امیرالمؤمنینؓ، رسول خداﷺ فرمودند: قدرت قریش تمام شد و از این پس آنان با ما نبرد نخواهند کرد، بلکه ما با آنان خواهیم جنگید؛ «ذهب ریحهم، و لا یغزونا بعد الیوم، و نحن نغزوهم إن شاء الله».^۹

تحلیل عمرو بن عاص، یکی از چهار نابغه عرب،^{۱۰} پس از نبرد احزاب این بود که به‌زودی حکومت پیامبرﷺ بر همه امور برتری خواهد یافت. از همین‌رو به قرشیان پیشنهاد کرد که به حبشه پناهنده شوند.^{۱۱} به نظر می‌رسد اسلام

۱. علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۱۴۹.
۲. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۶۴۹؛ اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، البدايه و النهایه، ج ۴، ص ۶۳؛ علی بن ابی‌بکر هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۱۲۱؛ عبدالله بن محمد ابن ابی‌شبهه، المصنف، ج ۸، ص ۶۹۵؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۲؛ محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۳۱.
۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۲۰؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۰.
۴. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۴۵۲.
۵. همان، ج ۴، ص ۱۷۳۷؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۹۴؛ علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۷۹؛ احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۷، ص ۲۷۷.
۶. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البدايه و النهایه، ج ۴، ص ۱۵۱.
۷. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۲۵؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۵؛ مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۳۱۷.
۸. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۹ و ۱۰.
۹. عبدالحمید بن هبئه‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۶۳.
۱۰. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۵۱. گفتنی است این‌گونه نبوغ و زیرکی در امثال عمروعاص و معاویه، در بیان امیر المؤمنینؓ به غدر و فجور تعبیر شده است: «والله ما معاویه بأدهی منی ولکنه یغدر ویفجر - ولو لا کراهیه الغدر لکنت من أدهی الناس...» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۰).
۱۱. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۴۷۸؛ علی بن ابراهیم حلبی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۴۶۵؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۶، ص ۹؛ علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۴۶، ص ۱۲۳؛ محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۵۹؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۱۳؛ عبدالرحمن بن علی ابن‌جوزی، المنتظم، ج ۵، ص ۱۹۶؛ علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۲۳۱؛ محمد

آوردن عمرو بن عاص بی‌ارتباط با فهم او از شکست قریش نبود و از همین رو کوشید با پذیرش اسلام، جایگاهی در حکومت جدید به‌دست آورد. این ادعا زمانی تقویت می‌شود که بدانیم خالد بن ولید نیز پیش از فتح مکه اسلام آورد.^۱ نقش سیاسی و اجرایی بنی‌سهم در غزوه ذات‌السلاسل و پس از آن نیز آشکار شد. در این غزوه، پیامبر اکرم ﷺ عمرو بن عاص را برای جلب حمایت قبیله قضاعه منصوب کردند^۲ و پس از آن، امارت عمان را به او سپردند.^۳ برخی شخصیت‌های این قبیله، مانند مطلب بن ابی‌وداعه^۴ و عامر بن حذیفه^۵ نیز در فتح مکه اسلام آوردند. ابن‌عساکر از عدی بن قیس به‌عنوان یکی از «مؤلفه قلوبهم» این قبیله یاد کرده است.^۶

در نبردهای پس از فتح مکه، حضور بنی‌سهم همچنان محسوس بود. در غزوه حنین، قیس بن عدی سهمی به‌عنوان دریافت‌کننده سهم از غنایم انتخاب شد^۷ و در نبرد طائف، سائب و عبدالله بن حارث بن قیس از این قبیله به شهادت رسیدند.^۸

یکی از مهم‌ترین وقایع پس از تبوک، تلاش برای ترور پیامبر اکرم ﷺ توسط گروهی از صحابه در رمضان سال نهم هجری بود.^۹ بنا بر نقل شیخ صدوق، ترورکنندگان چهارده نفر بودند که یکی از آنان عمرو بن عاص سهمی بود. این استمرار حضور در صحنه‌های نظامی و نقش‌آفرینی در مدیریت جنگ‌ها، نشان‌دهنده اهمیت قبیله بنی‌سهم در تحولات سیاسی و نظامی دوران پیامبر اکرم ﷺ است.^{۱۰}

بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ۴۷۰؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشق، البداية و النهایة، ج ۴، ص ۱۶۲.

۱. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۶۱؛ محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۵۲.

۲. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۸۶.

۳. همان.

۴. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۳۳؛ یوسف بن عبدالله ابن

عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۷۴؛ احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۱۰۴.

۵. محمود بن احمد بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۴، ص ۹۳.

۶. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۹، ص ۱۹۳؛ احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۳۹۴.

۷. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۳.

۸. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۹۲۸؛ خلیفة بن خیاط، تاریخ، ص ۵۶؛ مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۰۱؛ یوسف بن

عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۸۸۵.

۹. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۵، ص ۲۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۹۱؛ نیز ر.ک. محمد بن علی صدوق،

الخصال، ص ۴۹۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۲۲ و ۲۲۳؛ ج ۲۸، ص ۱۰۰؛ ج ۸۲، ص ۲۶۷.

۱۰. محمد بن علی صدوق، الخصال، ص ۵۱۳.

۳. نقش بنی‌سهم بن عمرو در خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ق)

خلافت ابوبکر نقطه‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ اسلام بود. با وجود مقاومت انصار و بنی‌هاشم، حفظ و تثبیت این خلافت نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی، نظامی و فرهنگی بود. در این میان، قبیله بنی‌سهم بن عمرو کنشگری قابل توجهی در تحکیم این بنیان ایفا کرد که در ادامه به مصادیق آن اشاره خواهد شد.

شایان ذکر است که هرچند گزارش‌های تاریخی در دوران خلفا بیشتر بر شخصیت عمرو بن عاص متمرکز است، این تمرکز به معنای انحصار نقش‌آفرینی در او نیست، بلکه جایگاه رهبری و نفوذ سیاسی وی موجب برجستگی نام او شده، درحالی‌که دیگر اعضای قبیله نقش‌های اجرایی و میدانی را برعهده داشته‌اند. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد چهره‌های کم‌نام‌تر بنی‌سهم نیز در وقایع و حوادث این دوران حضوری فعال داشته‌اند؛ از جمله فرزندان و برادرزادگان عمرو بن عاص که در گزارش‌های تاریخی مربوط به نبرد صفین از آنان یاد شده است.

۳-۱. سقیفه و شکل‌گیری الگوی جانشینی انتخابی

بررسی گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مخالفت قریش با جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، پدیده‌ای ناگهانی و محدود به دوران پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبود، بلکه ریشه‌های آن در همان سال‌های حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار شده بود.^۱

منابع تاریخی حاکی از آن‌اند که قبیله بنی‌سهم در ماجرای سقیفه حضور فعالی نداشتند. این غیبت چنین تحلیل می‌شود که بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت این قبیله، یعنی عمرو بن عاص، در سفر بود و پس از به خلافت رسیدن ابوبکر وارد مدینه شد. اما به محض بازگشت، به سرعت در صف مدافعان ابوبکر قرار گرفت و با صراحت و تندی، انصار را مورد حمله قرار داد.

بر اساس گزارش زبیر بن بکار، عمرو پس از بازگشت، در جمعی از مهاجران و انصار درباره ادعای سعد بن عباده در سقیفه گفت: «به خدا سوگند! خداوند بالای بزرگی را که انصار برای ما فراهم آوردند از ما دور کرد، هرچند بلایی که از خود ایشان دور نمود، بزرگ‌تر بود».

او در ادامه، برای مشروعیت‌بخشی به خلافت ابوبکر، به نص پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرد و افزود: «اگر انصار این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پیشوایی قریش را شنیده باشند و با وجود آن چنین ادعایی کنند، بی‌تردید هلاک شده‌اند و دیگران را نیز به هلاکت افکنده‌اند».

عمرو با لحنی تحقیرآمیز، مدینه را در برابر مکه کوچک شمرد و گفت: «سعد بن عباده مانند ابوبکر نیست و مدینه همتای مکه نمی‌شود».

۱. ر.ک. حسین مونس، تاریخ قریش، ص ۵۷۴-۶۴۳؛ علی کورانی، جواهر التاریخ، ج ۱، ص ۷۴-۸۴.

او حتی با تهدیدی آشکار تصریح کرد: «آری، آنان در گذشته با ما جنگ کردند و درست است که در آغاز اسلام بر ما پیروز شدند، اما اگر امروز ما با آنان بجنگیم، سرانجام ما بر ایشان غلبه خواهیم کرد».

در واکنش، خالد بن سعید در حمایت از انصار به عمرو بن عاص تاخت و او را سرزنش کرد که اسلام آوردنش از سر ناچاری بوده و اکنون با سخن و نیرنگ، در پی ایجاد تفرقه و دشمنی میان مهاجران و انصار است.^۱

از این گزارش به‌روشنی برمی‌آید که عمرو بن عاص نیز همگام با دیگر قرشیان، در حمایت از ابوبکر عمل کرد و بی‌هیچ اعتراضی، او را تقویت و انصار را تضعیف نمود. این نکته می‌تواند یکی از شواهد مهم بر وجود نوعی ائتلاف قریشی در برابر انصار، هم در زمان حیات رسول خدا ﷺ و هم پس از رحلت ایشان باشد؛ ائتلافی که در بزنگاه سقیفه آشکارا خود را نشان داد.

با اقدام عمرو بن عاص، اگرچه بنی‌سهم در صحنه سقیفه غایب بودند، اما بازگشت او این خلأ را جبران کرد و او را به یکی از صریح‌ترین و اثرگذارترین مدافعان خلافت ابوبکر و مخالفان جدی ادعای انصار تبدیل ساخت.

بنی‌سهم پس از رخدادهای سقیفه نیز با استفاده از نقل احادیث، به تثبیت جایگاه ابوبکر و عمر پرداختند. بنا بر نقل حجاج بن منبه بن حجاج، رسول خدا ﷺ فرمودند: «اگر شخصی را دیدید که از ابوبکر و عمر بن خطاب بد می‌گوید، بدانید که او از اسلام مرتد شده است».^۲

بنی‌سهم با استناد به سنت نبوی، توانستند مشروعیت خلافت خلفای نخستین را تقویت کرده، هرگونه نقد یا مقاومت را در نطفه خنثا کنند.

۲-۳. جنگ‌های رده

در آغاز خلافت ابوبکر، پذیرش حاکمیت او با مقاومت گسترده برخی قبایل مواجه شد؛ مقاومتی که تهدیدی جدی برای ثبات حکومت تازه‌تأسیس به‌شمار می‌رفت. حارث بن معاویه کندی، از جمله معترضان به خلافت ابوبکر، در پاسخ به زیاد بن لبید - مأمور جمع‌آوری زکات در حَضْرَمَوْت - گفت: «به خدا سوگند، خلافت را از صاحبان حقیقی آن به سبب حسد گرفته‌اید!»^۳

او بار دیگر تأکید کرد که اگر کسی از خاندان پیامبر ﷺ قیام کند، وفاداری خود را به او اعلام خواهند کرد، اما ابوبکر هیچ حقی بر آنان ندارد.^۴

۱. عبدالحمید بن هبّه‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۹-۳۲.

۲. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۲، ص ۳۱.

۳. محمد بن عمر واقدی، الرده، ص ۱۷۷.

۴. احمد بن ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۴۷؛ محمد بن عمر واقدی، الرده، ص ۱۷۱.

این مخالفت‌ها صرفاً جنبه سیاسی نداشتند، بلکه امتناع از پرداخت زکات نیز فشار اقتصادی سنگینی بر خلافت نوپا وارد می‌کرد.^۱ در برابر این چالش‌ها، شخصیت‌های بانفوذ قریش با سازماندهی نیروها و مشارکت در نبردهایی که بعدها به «جنگ‌های رده» معروف شدند، توانستند بر مقاومت قبایل غلبه کنند و مشروعیت و اقتدار حکومت ابوبکر را تثبیت نمایند. برخی گزارش‌های تاریخی از حضور ابوقیس و عبدالله، فرزندان حارث بن قیس، و عبدالله بن حارث در این نبردها حکایت دارند. گفته شده است که آنان در نبرد یمامه در سال ۱۲ هجری کشته شدند.^۲

۳-۳. فتوحات

یکی از محورهای اساسی مشارکت قبیله بنی‌سهم بن عمرو در دوره خلافت ابوبکر، حضور فعال آنان در فتوحات آن زمان بود. این اقدامات فراتر از نقش صرفاً دفاعی، زمینه‌ای برای تقویت جایگاه سیاسی و اقتصادی حکومت تازه‌تأسیس فراهم می‌کرد و همزمان موجب هدایت توان مخالفان داخلی به سوی جبهه‌های خارجی می‌شد؛ جبهه‌هایی که تحت عنوان مشروع «جهاد در راه خدا» تعریف می‌شدند.^۳ افزون بر این، منابع مالی و غنایم حاصل از این نبردها، پشتوانه اقتصادی مهمی برای دولت نوپا به‌شمار می‌رفتند.

نقش افراد برجسته بنی‌سهم بن عمرو در این عملیات چشمگیر بود؛ حضوری که نه تنها دستیابی به موفقیت‌های نظامی را تسهیل می‌کرد، بلکه تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی حکومت ابوبکر را نیز ممکن می‌ساخت.

از مهم‌ترین شخصیت‌های فعال در فتوحات، عمرو بن عاص بود. او در دوره ابوبکر، یکی از فرماندهان سپاه اسلام در فتح شام بود و در نبرد یرموک حضور داشت.^۴ همچنین فرماندهی لشکر اسلام در نبرد اجنادین - نخستین نبرد میان مسلمانان و رومیان - برعهده او بود.^۵

غیر از عمرو بن عاص، برخی دیگر از شخصیت‌های بنی‌سهم نیز در فتوحات حضور داشتند. بنا بر گزارش‌های مختلف، تمیم بن حارث بن قیس،^۶ حجاج بن حارث بن قیس^۷ و حارث بن حارث بن قیس در نبرد اجنادین کشته

۱. عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ج ۱۰، ص ۳۰۲؛ حسن بن موسی نوختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۴؛ احمد بن اعثم ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۱، ص ۴۸.

۲. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۳. عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری، الامامة و السیاسة، ج ۱، ص ۳۴.

۴. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۹۳.

۵. علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۱۱، ص ۸۶؛ محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۹۴.

۶. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۶۲؛ عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۱، ص ۸۴؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۹۰.

۷. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۲۶۹؛ مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۰۱؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب

شدند. ابن‌شهاب زهري نیز سعيد بن حارث را از جمله کشته‌شدگان اين نبرد دانسته است.^۱
هشام بن عاص بن وائل، برادر عمرو بن عاص، نیز در نبرد اجنادین^۲ و بنا بر نقل واقدی، در یرموک کشته شد.^۳
ابن سعد نقل می‌کند که او در این نبرد شجاعت‌های فراوانی از خود نشان داد.^۴ هنگامی که خبر شهادت او به عمر بن خطاب رسید، گفت: «خداوند او را رحمت کند! او بهترین یاری‌دهنده اسلام بود».^۵
همچنین حارث بن ابی‌ارقاب^۶ و حارث بن قیس بن عدی^۷ از دیگر افراد قبیله بنی‌سهم بودند که در نبرد اجنادین حضور داشتند.

۴. نقش بنی‌سهم بن عمرو در خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ق)

۴-۱. فتوحات

یکی از رویدادهای برجسته دوران خلافت عمر بن خطاب، ادامه فتوحات نظامی بود که آغاز آن در دوره ابوبکر رقم خورده بود. عمر با استمرار این سیاست، وسعت قلمرو اسلامی را به‌طور چشمگیری گسترش داد.
در این دوره، عمرو بن عاص به دستور عمر بن خطاب، مصر را فتح کرد.^۸ او همچنین در فتح شهرهای دمشق،^۹ قسرین، حلب و انطاکیه^{۱۰} حضور داشت و فرماندهی میمنه لشکر اسلام را در فتح افریقیه - تحت لوای عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح - در سال ۱۷ هجری برعهده داشت.^{۱۱}

-
- الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۳؛ یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۲۵؛ علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۳۸۰.
۱. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۶۸؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۹۰.
 ۲. علی بن محمد ابن‌حزم، جمهرة انساب العرب، ص ۱۶۳؛ مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۰۹.
 ۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۸۲؛ یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۳۹؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۹۱.
 ۴. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۹۳.
 ۵. همان.
 ۶. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۲۶۹.
 ۷. علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۶۹.
 ۸. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۹۳؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۷۵؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۹.
 ۹. علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۴۶، ص ۱۰۹.
 ۱۰. خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۷۵.
 ۱۱. یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۱۸.

بر اساس برخی نقل‌ها، قیس بن حذافه،^۱ حارث بن حارث بن قیس،^۲ حجاج بن حارث بن قیس،^۳ سعید بن حارث بن قیس^۴ و قیس بن عدی^۵ نیز در این دوران، در واقعهٔ یرموک در سال ۱۵ هجری و فتح شام مشارکت داشتند. عقبهٔ بن نافع، از نزدیکان عمرو بن عاص،^۶ در دوران خلافت عمر، عثمان و معاویه به فرماندهی فتوحات و امارت بر شهرها منصوب شد. او تحت فرماندهی عمرو بن عاص در فتح مصر^۷ و افریقیه (کشور تونس امروزی) شرکت داشت و نقش مهمی در گسترش قلمرو اسلامی ایفا کرد.^۸

۲-۴. امارت شهرها

در دوران خلافت عمر بن خطاب، برخی شخصیت‌های قبیله بنی‌سهم ولایت شهرهایی را برعهده گرفتند و در زمرهٔ والیان این دوره شناخته شدند. عمرو بن عاص به‌عنوان استاندار مصر،^۹ فلسطین^{۱۰} و اردن^{۱۱} منصوب شد؛ قیس بن عاص سهمی، منصب قضاوت در مصر را برعهده داشت^{۱۲} و عبدالله بن حذافه بن قیس به‌عنوان استاندار اسکندریه^{۱۳} فعالیت می‌کرد. عبدالله بن حذافه، از سوی عمرو بن عاص، در این دوران به اسارت رومی‌ها درآمد و عمر بن خطاب شخصاً برای آزادی او اقدام نمود.^{۱۴}

در مجموع، به نظر می‌رسد پیوندهای خویشاوندی پیش‌گفتهٔ بنی‌سهم با قبیلهٔ خلیفهٔ دوم، نه‌تنها موقعیت اجتماعی این قبیله را تقویت کرد، بلکه زمینه‌ساز نقشی برجسته‌تر در ساختار سیاسی - اجتماعی خلافت عمر و حضور پررنگ‌تر آنان در این دوره شد.

۱. خلیل بن ایبک صفدی، الوافی بالوفیات، ج ۲۴، ص ۲۱۱.

۲. علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۰۵.

۳. احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۲، ص ۲۷؛ علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۱۲، ص ۹۳.

۴. مصعب بن عبدالله زبیری، نسب قریش، ص ۴۰۱؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۳؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۹۷.

۵. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر دمشقی، البداية و النهایه، ج ۷، ص ۷۲.

۶. علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۴۰۶.

۷. همان، ص ۴۱۶.

۸. علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، الکامل، ج ۳، ص ۲۰.

۹. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۹۳؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۷۵.

۱۰. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۹۳؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۷۵.

۱۱. یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۸۷.

۱۲. احمد بن عبدالوهاب نویری، نهایه الأرب فی فنون الأدب، ج ۱۹، ص ۴۰۱.

۱۳. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۴.

۱۴. همان.

۵. نقش بنوسهم بن عمرو در خلافت عثمان بن عفان (۲۳-۳۵ق)

۵-۱. فتوحات

فتوحات دوران دو خلیفه پیشین در زمان خلافت عثمان بن عفان نیز ادامه یافت. بنا بر نقل ابن عبدالبر، در این دوره عمرو بن عاص از قبیله بنی‌سهم، اسکندریه را در سال ۲۵ هجری فتح کرد.^۱

۵-۲. امارت شهرها

در دوران خلافت عثمان، عرصه سیاست بیش از هر چیز تحت سلطه خاندان اموی قرار گرفت و سایر قبایل قریش تنها نقشی محدود و کم‌اهمیت در ساختار قدرت به‌دست آوردند. عمرو بن عاص که تا زمان مرگ عثمان، از سوی عمر بن خطاب استاندار مصر بود، پس از به خلافت رسیدن عثمان نیز به مدت چهار سال این منصب را حفظ کرد؛ اما پس از مدتی عثمان او را از این سمت عزل نمود.^۲

بنا بر نقل طبری، عمرو بن عاص ابتدا کارگزار عثمان در مصر بود. عثمان پس از مدتی، او را از مسئولیت دریافت خراج برکنار کرد و تنها بر امر نماز گماشت. سپس مسئولیت‌های اجرایی عمرو را به عبدالله بن سعد واگذار کرد و در نهایت، امامت نماز را نیز از او گرفت و به عبدالله سپرد.^۳

۵-۳. ماجرای قتل عثمان

در واپسین سال‌های خلافت عثمان، موج گسترده‌ای از ناراضی‌ها به سبب ایجاد بدعت، شیوه‌های حکمرانی و تمرکز قدرت در دست خاندان اموی پدید آمد. این اعتراضات به‌تدریج شدت گرفت و سرانجام با محاصره خانه خلیفه و کشته شدن وی به نقطه اوج خود رسید.

یکی از مهم‌ترین اقدامات شخصیت برجسته بنی‌سهم، یعنی عمرو بن عاص، تلاش برای برکناری عثمان از خلافت و تحریک به قتل او بود. برکناری عمرو از امارت مصر موجب شد تا کینه عثمان را به دل بگیرد. پس از عزل، عمرو به مدینه بازگشت و با بدگویی از عثمان، مردم را علیه او و حکومت وی شوراند. اعتراضات عمرو به حدی رسید که عثمان روزی او را فراخواند و در جلسه‌ای خصوصی گفت: «ای پسر نابغه! چه زود یقه لباست آلوده شد! آیا بر من طعنه می‌زنی و هر روز رنگ عوض می‌کنی؟ به خدا سوگند! اگر ولایت مصر برایت سودی نداشت و از آن بهره‌مادی نمی‌بردی، این‌گونه رفتار نمی‌کردی و با من به‌خاطر عزل از حکومت مخالفت نمی‌نمودی.»

عمرو بن عاص در پاسخ، منکر اقدامات خود شد و از نزد عثمان بیرون آمد، درحالی‌که کینه او را در دل داشت.

۱. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۱۹.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۲۷۹؛ محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۹۳؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۷۵.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۹۲.

گاهی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رفت و حضرت را علیه عثمان تحریک می‌کرد، و گاهی نزد طلحه و زبیر می‌رفت و آنان را علیه عثمان می‌شوراند. همچنین بر سر راه حاجیان می‌ایستاد و خلاف‌کاری‌های عثمان را به آنان یادآوری می‌کرد. در روزهای آغازین محاصره خانه عثمان، عمرو بن عاص همراه دو فرزندش از مدینه به فلسطین رفت و از آنجا تحولات را زیر نظر گرفت. مانند معاویه، در پی فرصتی برای بهره‌برداری سیاسی از شرایط بود؛ تا اینکه سواری از کنار او گذشت و خبر کشته شدن عثمان را رساند.

عمرو گفت: «من ابوعبدالله هستم. وقتی دُمّلی را بخراشم، بازش می‌کنم! من، آن قدر مردم را علیه عثمان تحریک کردم، حتی چوپانان در دشت‌ها و کوه‌ها را»^۱.

گفته شده است: بیشترین اعتراض‌ها به عثمان از سوی عمرو بن عاص بود. او می‌گفت: «به خدا سوگند! با عثمان دشمنی داشتیم و همه افراد، حتی چوپان گله را علیه او شوراندم»^۲.

عمرو نسبت به خلیفه آینده نگران بود. پس از شنیدن خبر قتل عثمان گفت: «اگر خلافت نصیب طلحه شود، او جوانمرد عرب است - هدف او از این جمله، مدح طلحه بود - و اگر به علی برسد، هرچند که او بر اساس حق عمل می‌کند، ولی من نسبت به خلافت او از همه بیشتر اگراه دارم»^۳.

به محض آنکه خبر بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام به عمرو رسید، خشمگین شد و در انتظار فرصتی برای حمایت از یک قطب مخالف نشست. هنگامی که مطلع شد معاویه از حکومت مرکزی فاصله گرفته و به دنبال خون‌خواهی عثمان است، خشنود شد و ترجیح خود را به نفع معاویه اعلام کرد. او که تصمیم نهایی خود را برای پیوستن به معاویه گرفته بود، در سخنی خطاب به فرزندانش گفت: «هرگز در دوران حکومت علی [ع] به چیزی نخواهم رسید و او مرا در امور خود شریک نخواهد کرد»^۴.

۶. نقش بنی‌سهم بن عمرو در خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام (۳۵-۴۰ق)

دوران پنج‌ساله حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام با نبردهای پی‌درپی جمل، صفین، نهروان و غارت‌های معاویه همراه بود. قصیده لامیه ابوطالب نشان می‌دهد که قبیله بنی‌سهم از دوران جاهلیت در رقابت با بنی‌هاشم قرار داشت و از بنی‌عدی - که وامدار و هم‌پیمان آنان بود - به‌عنوان ابزاری برای دشمنی با بنی‌هاشم بهره می‌برد و آنان را به تقابل

۱. همان، ص ۳۹۲.

۲. عمر بن ابن‌شبه نمیری، تاریخ المدینه المنوره، ج ۳، ص ۱۰۸۹.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۵۵۹.

۴. همان.

با بنی‌هاشم تحریک می‌کرد.^۱ این خصومت در صحنه‌های نبرد، به‌ویژه در جنگ بدر، جلوه عملی یافت؛ جایی که تعدادی از شخصیت‌های برجسته این قبیله به‌دست امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شدند و همین امر موجب تثبیت کینه‌ای دیرپا و تاریخی نسبت به ایشان در دل مخالفان شد.

بنا بر یک نقل متفرد از ابن عباس، شأن نزول آیه «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ»^۲ را درباره حارث بن قیس سهمی و همراهانش دانسته‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام را مسخره می‌کردند. طبق ادامه آیات «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ عَلَى الْأَرَائِكِ يَبْتَظِرُونَ هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»^۳ در قیامت، هنگام تلاش آنان برای ورود به بهشت، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز همان‌گونه آنان را مسخره خواهند کرد.^۴

بنا بر نقل طبری و ابن ابی‌الحدید، امیرالمؤمنین علیه السلام در قنوت نماز صبح و مغرب، برخی افراد، از جمله عمرو بن عاص را لعن می‌کردند. این افراد نیز در نمازهای خود، امیرالمؤمنین علیه السلام را لعن می‌نمودند.^۵ امیرالمؤمنین علیه السلام، عمرو بن عاص را یکی از «امامان کفر» در اسلام معرفی کرده‌اند.^۶

بی‌تردید، تأثیرگذارترین شخصیت بنی‌سهم در این دوران، عمرو بن عاص بود. او پس از به حکومت رسیدن امیرالمؤمنین علیه السلام، با تمام توان، درصدد تضعیف ایشان و حکومت آن حضرت برآمد و در توصیف امام علیه السلام، ایشان را شخصیتی معرفی می‌کرد که «بسیار شوخی می‌کند».^۷

با توجه به مقدمه بیان‌شده، قبیله بنی‌سهم در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام جایگاهی در ساختار سیاسی نداشتند و اغلب اعضای این قبیله در جبهه مخالفان حضرت قرار گرفتند.

۱-۶. نبرد جمل

در جنگ جمل، برخی از اعضای قبیله بنی‌سهم، از جمله ابن‌لقیس بن عدی، در کنار عایشه حضور داشتند و از او

۱. «و سهم و مخزوم تمالوا و ألبوا علينا العدى من كل طمل و خاتل / و حث بنوسهم علينا عدیها عدی بن كعب فاحتبوا بالمحافل»؛ فاسدان و بی‌ارزشان دو طایفه سهم و مخزوم برای دشمنی و جنگ با ما جمع شدند و یکدیگر را بر دشمنی ما تحریک کردند. بنی‌سهم، عدی بن کعب را برای جنگ ما تشویق و تحریک کردند و مجلسی ترتیب دادند تا بر ضد ما نقشه بریزند (محمد بن حبیب بغدادی، المنطق، ص ۱۰۶).

۲. مطففین: ۲۹-۳۰.

۳. مطففین: ۳۴-۳۶.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۶۵۶؛ ج ۳۵، ص ۳۳۹.

۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۵۲؛ عبدالحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۹.

۶. همان.

۷. عبدالحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵.

حمایت کردند. ابن لقیس در این نبرد کشته شد.^۱ در مقابل، قیس بن قیس سهمی از همراهان امیرالمؤمنین علیه السلام در نبرد صفین بود و در صف یاران آن حضرت قرار داشت.^۲

عمرو بن عاص با آنکه نتوانست در جنگ جمل شرکت کند، کوشید از این واقعه برای تضعیف جایگاه امیرالمؤمنین علیه السلام بهره‌برداری سیاسی کند. او در گفت‌وگویی با عایشه اظهار داشت: «آرزویم این بود که در جنگ جمل کشته می‌شدی و به بهشت می‌رفتی؛ و ما نیز می‌توانستیم قتل تو را به‌عنوان بزرگ‌ترین بهانه برای کوییدن جبهه علی [ع] به‌کار بگیریم».^۳

۲-۶. نبرد صفین

پس از پایان جنگ جمل، معاویه برای مقابله با امیرالمؤمنین علیه السلام طی نامه‌ای از عمرو بن عاص درخواست کمک کرد و او را به پیوستن به شام ترغیب نمود.^۴ عمرو پیش از عزیمت، نظر دو پسرش را درباره نامه معاویه جویا شد. عبدالله مخالفت کرد و آن را مایه شقاوت پدر دانست، اما محمد همراهی با معاویه را مایه بزرگی قریش تلقی نمود. عمرو میان دین و دنیا مردد شد و تحلیل او این بود که سخنان عبدالله آخرت و دینش را تضمین می‌کند، اما سخنان محمد دنیای او را.^۵

نصایح پسرعموی عمرو^۶ و حتی آگاهی دقیق او از فضایل و جایگاه بی‌نظیر امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نتوانست مانع همراهی‌اش با معاویه شود. عمرو بارها در نامه‌ها و گفت‌وگوها، به شجاعت، هجرت، مصاحبت با پیامبر، دامادی و سوابق درخشان امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کرده و برتری او بر معاویه را تصریح نموده است.^۷

او به معاویه یادآوری کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام نه تنها جانشین شایسته، بلکه الگوی دیانت و فضیلت است.^۸ با این حال، شناخت فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام در عمل نتوانست رفتار سیاسی عمرو را تغییر دهد. او به شرط گرفتن امارت

۱. خلیفه بن خیاط، تاریخ، ص ۱۴۱.

۲. علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۲۴.

۳. عبدالحمید بن هبئه‌الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶ ص ۳۲۲.

۴. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۸۴؛ نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۳۴؛ علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۵۹، ص ۱۳۰.

۵. نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۳۴.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴؛ علی بن ابی‌الکریم ابن‌اثیر، الکامل، ج ۳، ص ۳۱۶.

۷. یوسف بن قزواغلی ابن‌جوزی، تذکره الخواص، ج ۱، ص ۴۰۴؛ نهج البلاغه، ص ۳۳۴؛ نامه ۳۹؛ نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۳۷ و ۳۸.

۸. یوسف بن قزواغلی ابن‌جوزی، تذکره الخواص، ج ۱، ص ۴۰۴؛ نهج البلاغه، ص ۳۳۴؛ نامه ۳۹؛ نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۳۷ و ۳۸.

مصر، حاضر به همراهی با معاویه شد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای، عمرو بن عاص را به‌خاطر دنیاطلبی سرزنش کرد و او را همچون سگ گرسنه‌ای دانست که چشم به باقی‌مانده شکار معاویه دارد. همچنین فرمودند: «عمرو تنها با شرط گرفتن سهم، بیعت و همکاری با معاویه را پذیرفت».^۲

پس از دریافت وعده امارت مصر، عمرو بن عاص به‌عنوان یکی از زیرک‌ترین شخصیت‌های عرب، با همکاری معاویه، جنگ روانی گسترده‌ای علیه امیرالمؤمنین علیه السلام در شام آغاز کرد. او با طراحی دقیق و بهره‌گیری از نفوذ اجتماعی شرحبیل، شهروند معروف و مورد اعتماد مردم شام، شایعاتی را مبنی بر قتل عثمان توسط امیرالمؤمنین علیه السلام پخش نمود. عمرو به معاویه توصیه کرد که نامه‌ای به شرحبیل ارسال کند^۳ و همزمان چند تن از معتمدان را برای شهادت جعلی درباره قتل عثمان معرفی نماید.^۴ شرحبیل با سخنرانی‌های پرشور در شهرهای مختلف شام، مردم را نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام بدبین و با معاویه همراه کرد. او با تکرار و تشدید این شایعات، اهالی حمص و دیگر شهرها را بسیج نمود و همبستگی عمومی علیه امیرالمؤمنین علیه السلام ایجاد کرد.^۵

در جنگ صفین، عمرو بن عاص و فرزندانش نقش‌آفرینی مهمی داشتند.^۶ او فرماندهی میسره لشکر معاویه و نیروهای دمشق را بر عهده داشت.^۷ در یکی از روزهای نبرد، هنگامی که مرگ را نزدیک دید، با سوء استفاده از حیای امیرالمؤمنین علیه السلام، با کشف عورت خود، جانش را نجات داد. بسیاری از مورخان به این ماجرا و اشعاری که در همین باره سروده شده، اشاره کرده‌اند.^۸ ابن کثیر دمشقی نیز این روایت را تأیید کرده است.^۹

عمرو بن عاص در این نبرد، پرچمی مشکی را برافراشت و مدعی شد که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به او داده است. او از این نماد برای فریب سپاه رقیب و ایجاد تردید استفاده کرد، اما برخلاف شرط پیامبر صلی الله علیه و آله، علیه مسلمانان جنگید و

۱. نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۳۷ و ۳۸.

۲. نهج البلاغه، ص ۲۸، خطبه ۲۶.

۳. نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۴۴.

۴. احمد بن اعثم ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص ۵۳۰.

۵. نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۵۰.

۶. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۵۷؛ محمد بن احمد ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ص ۳۴؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۵۴۲.

۷. علی بن الکریم ابن اثیر، الکامل، ج ۳، ص ۲۹۴.

۸. احمد بن اعثم ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۳، ص ۱۰۶؛ یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۶۵.

۹. اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۴، ص ۲۳.

مشرکان را آسوده گذاشت.^۱

در جریان جنگ صفین، عمرو بن عاص روایت «يُدْوِرُ الْحَقُّ مَعَ عَمَارٍ حَيْثُ مَا دَارَ» را به صورت ابزاری نقل کرد تا این گونه وانمود نماید که عمار به زودی به معاویه ملحق خواهد شد، ولی پس از ملحق نشدن عمار در جواب معترضین با تحلیلی پسینی، تأکید کرد که پیش‌بینی پیامدهای جنگ و کاربرد روایات، خارج از اراده او بوده و بدین وسیله مسئولیت اقدامات خود را نپذیرفت. این رفتار نمونه‌ای از بهره‌گیری سیاسی از منابع دینی برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات نظامی و توجیه تصمیمات راهبردی بود.^۲

در ادامه، عمرو بن عاص با بهره‌گیری از راهبرد روانی و نمادین، قرآن را بر سر نیزه سپاه معاویه قرار داد تا سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام را فریب دهد و آنان را نسبت به ادامه جنگ دچار تردید کند.^۳ این اقدام، هم مشروعیت ظاهری به موضع معاویه بخشید و هم زمینه‌ساز آتش‌بس شد؛ زیرا بسیاری از افراد کم‌بصیرت سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام تصور کردند پذیرش حکم قرآن نشانه توقف جنگ است.^۴

یکی دیگر از اقدامات عمرو بن عاص، دست داشتن در قتل محمد بن ابی‌بکر، والی مصر از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام بود.^۵ هنگامی که عایشه از شهادت برادرش آگاه شد، بسیار بی‌تابی کرد و پس از هر نماز، معاویه بن ابی‌سفیان، عمرو بن عاص و معاویه بن حدیج را لعنت می‌نمود. او همسر و فرزندان محمد را نزد خود برد و از آنان نگهداری کرد.^۶

عمرو بن عاص به همراه ابوهیریه، مغیره بن شعبه و عروة بن زبیر، با دریافت مزد از معاویه، در جعل احادیثی علیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقش داشتند تا وجهه ایشان را تخریب و مشروعیت معاویه را تقویت کنند.^۷

عبدالله بن عمرو بن عاص نیز همانند پدرش، از دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام بود. او در جنگ صفین همراه پدرش در رکاب معاویه حاضر بود و بنا بر برخی گزارش‌ها، فرماندهی سمت راست سپاه معاویه،^۸ و بنا بر

۱. نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۲۱۵.

۲. احمد بن اعثم ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۳، ص ۷۹.

۳. همان، ص ۱۸۱.

۴. نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۴۷۸.

۵. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۴۱۴.

۶. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۸۸.

۷. همان، ج ۴، ص ۶۳.

۸. خلیفه بن خیاط، طبقات، ص ۱۱۸، علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۳، ص ۲۳۴؛ نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۲۰۶.

برخی دیگر، فرماندهی سمت چپ^۱ یا فرماندهی سوارکاران^۲ را بر عهده داشت.

ابن اثیر جزری می‌نویسد: او در این نبرد دو شمشیر به همراه داشت.^۳ عبدالله نقش میانجیگر و سیاست‌ورزان‌های در جنگ صفین ایفا کرد و با ایستادن میان دو سپاه و ایراد خطابه‌ای تحلیل‌محور، ضمن بازشناسی ریشه‌های دینی و دنیوی درگیری، طرفین را به پذیرش حکم قرآن دعوت نمود.^۴

عبدالله همچنین در مذاکرات حکمیت در دومه الجندل حضور داشت^۵ و بعدها از سوی معاویه به ولایت کوفه^۶ و مصر^۷ منصوب شد.

نتیجه‌گیری

مطالعه نقش قبیله بنی‌سهم در تحولات صدر اسلام نشان می‌دهد که این بطن از قریش، علی‌رغم جمعیت متوسط، در فرایندهای سیاسی و نظامی اثرگذاری چشمگیری داشته است. در دوران پیامبر اکرم ﷺ، اگرچه برخی افراد بنی‌سهم از سابقان اسلام بودند، اما اکثریت اشراف قبیله در صف مخالفان قرار داشتند. کشته‌شدن و اسارت شمار زیادی از آنان در جنگ بدر و احد، کینه‌ای عمیق نسبت به امیرالمؤمنین ﷺ در این قبیله ایجاد کرد که پیامدهای آن در دوره‌های بعد آشکار شد.

در دوران خلافت ابوبکر، بنی‌سهم با محوریت عمرو بن عاص به یکی از حامیان مهم خلافت تبدیل شدند. هرچند در واقعه سقیفه غایب بودند، اما بازگشت عمرو، خلأ حضور آنان را پر کرد و او با استناد به حدیث «الأئمة من قریش» از خلافت ابوبکر دفاع نمود. مشارکت مستقیم افراد قبیله در جنگ‌های رده و فتوحات شام نیز نشان داد که بنی‌سهم توانستند هم در بُعد سیاسی و هم در بُعد نظامی به حکومت نوپا یاری رسانند، هرچند هیچ‌یک از کارگزاران این دوره از میان بنی‌سهم انتخاب نشدند.

دوران خلافت عمر بن خطاب، نقطه اوج نقش‌آفرینی بنی‌سهم بود. روابط خویشاوندی با بنی‌عدی، زمینه‌ساز نزدیکی بیشتر آنان به خلافت شد و عمرو بن عاص در جایگاه والی مصر، موقعیتی راهبردی یافت. همچنین مشارکت

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲. عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری، الاخبار الطوال، ص ۱۷۲.

۳. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۲۳۴.

۴. نصر بن مزاحم منقری، وقعه صفین، ص ۴۸۳.

۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۲۹۳.

۶. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۰۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۱۲۷؛ علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۳۱، ص ۲۷۲.

۷. علی بن حسن ابن‌عساکر، تاریخ دمشق الکبیر، ج ۳۱، ص ۲۷۹.

گسترده سهمیان در فتوحات شام و افریقیه، پیوند آنان با حکومت مرکزی را تحکیم بخشید. در مجموع، از میان ۴۳ کارگزار عمر بن خطاب، سه تن - یعنی قریب هفت درصد - از این قبیله بودند.

در دوره عثمان، با وجود تداوم برخی مسئولیت‌ها، رقابت‌های سیاسی و کنار گذاشته شدن عمرو بن عاص از ولایت مصر، جایگاه قبیله تضعیف شد. تنها یک تن از میان ۳۷ کارگزار عثمان - یعنی قریب ۲/۷ درصد - از بنی‌سهم بود. همین مسئله سبب شد تا این قبیله، به‌ویژه عمرو، به صف معترضان به عثمان پیوندند و از شکاف‌های درون خلافت بهره‌برداری کنند.

در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، دشمنی تاریخی بنی‌سهم با بنی‌هاشم بروز آشکارتری یافت. اگرچه برخی از سهمیان در سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام حضور داشتند، اما عموم قبیله در جبهه مخالف ایستادند و هیچ‌یک از آنان در زمره کارگزاران امام ثبت نشده‌اند. عمرو بن عاص با پیوستن به معاویه، نقشی حیاتی در جنگ صفین، ماجرای حکمیت و جنگ روانی علیه امام علیه السلام ایفا کرد. تعداد کارگزاران این قبیله در این دوران نیز دو تن از میان ۳۹ تن - یعنی قریب ۲/۵ درصد - بوده است.

از این منظر، می‌توان بنی‌سهم را یکی از قبایلی دانست که با بهره‌گیری از سرمایه سیاسی و نظامی خود، در تقویت خلافت‌های سه‌گانه نخست نقشی فعال داشت، اما در دوره امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از ستون‌های اصلی جبهه مخالفان تبدیل شد.

مقایسه دوره‌ها نشان می‌دهد که بنی‌سهم در خلافت ابوبکر و عمر، بیشترین نزدیکی را به قدرت داشتند، در زمان عثمان دچار افت جایگاه شدند، و در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام عملاً در صف معارضان قرار گرفتند. در دوران معاویه، این روند شدت بیشتری یافت. این سیر تاریخی، جایگاه متغیر قبیله را در تعامل با قدرت سیاسی صدر اسلام به‌روشنی آشکار می‌سازد.

نقش بنی‌سهم بن عمرو در شکل‌گیری و تثبیت جانشینی خلفای نخستین ♦ ۳۱

اسامی فرماندهان نظامی	اسامی کارگزاران شهرها	تعداد کارگزاران از بنی‌مخزوم	تعداد کل کارگزاران	دوره
عمرو بن عاص		۰ نفر (صفر درصد)	۲۴	ابوبکر بن ابی‌قحافه (۱۱-۱۳)
عمرو بن عاص	۱. عمرو بن عاص استاندار مصر، فلسطین و اردن ۲. قیس بن عاص سهمی قاضی مصر ۳. عبدالله بن حذافة بن قیس استاندار اسکندریه	۳ نفر (قریب ۷ درصد)	۴۳	عمر بن خطاب (۱۳-۲۳)
عمرو بن عاص	عمرو بن عاص استاندار مصر	۱ نفر (قریب ۲/۷ درصد)	۳۷	عثمان (۲۳-۳۵)
		۰ نفر (صفر درصد)	۳۸	امیرالمؤمنینؓ (۳۵-۴۰)
۱. عمرو بن عاص ۲. عبدالله بن عمرو بن عاص	۱. عمرو بن عاص استاندار مصر ۲. عبدالله بن عمرو بن عاص استاندار کوفه و مصر	۲ نفر (قریب ۵/۱ درصد)	۳۹	معاویه (۳۵-۴۰)

جدول ۲: سهم قبیله بنی‌سهم در ساختار قدرت صدر اسلام

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.

ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد، المصنف فی الاحادیث والآثار، تحقیق و تعلیق سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ق.
ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، بی تا.

ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکریم، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.

ابن اعثم کوفی، احمد بن اعثم، الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تواریخ الملوک و الأمم، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرة الخواص، بیروت، مؤسسة اهل البيت، ۱۴۰۱ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابه فی تمييز الصحابه، تحقیق احمد عبدالوجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۱۰م.

ابن حزم، علی بن احمد، جمهرة انساب العرب، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.

ابن حنبل، احمد بن، المسند، بیروت، دار صادر، بی تا.

ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.

ابن سلام، قاسم بن سلام، کتاب النسب، تحقیق مریم محمد خیر الدرع، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.

ابن شبه، عمر بن، تاریخ المدینة المنورة، تحقیق فهیم محمد شلتوت، بیروت، دارالفکر، بی تا.

ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالوجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الکبیر، تحقیق علی عاشور الجنوبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الإمامة و السیاسة، قم، شریف الرضی، ۱۳۸۸ق.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، تحقیق احمد ابوملحم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.

ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق.

ابن همام، کمال الدین محمد بن عبدالواحد، فتح القدير، بیروت، دارالفکر، بی تا.

ابوحنیفه دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق عصام محمد الحاج علی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۲.

بدرالدین عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

بغدادی، محمد بن حبیب، المحبر، بغداد، مطبعة الدائرة، ۱۳۶۱ق.

بغدادی، محمد بن حبیب، المنمق، تحقیق خورشید احمد فاروق، بی جا، بی نا، بی تا.

بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

پیرمردیان، مصطفی و عزتی، مهدی، ساکنان مکه (تأملی بر چگونگی ساکنان مکه و میزان جمعیت قریش در آستانه ظهور اسلام)،

۱۳۹۳، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال پنجم، ش ۱۴، ص ۱۱۱-۱۳۶.

جاحظ، عمرو بن بحر، الحيوان، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.

- حسن، حسن ابراہیم، حسن، تاریخ عمرو بن عاص، مصر، مکتبۃ المؤید، ۱۳۴۰ق.
- حلی، علی بن ابراہیم، السیرۃ الحلیہ، بیروت، دار المعرفہ، ۱۴۰۰ق.
- حموی، یاقوت بن عبد اللہ، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
- خليفة بن خياط، تاريخ خليفة بن خياط، تحقيق مصطفى نجيب فواز، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
- خليفة بن خياط، طبقات خليفة بن خياط، تحقيق سهيل ذكار، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۴ق.
- ذهبي، محمد بن احمد، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۹ق.
- ذهبي، محمد بن احمد، العبر في خبر من غير، تحقيق فؤاد سيد، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۶۱م.
- ذهبي، محمد بن احمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۷ق.
- زيدى، محمد بن محمد، تاج العروس، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- زبيرى، مصعب بن عبدالله، نسب قريش، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
- زرکلی، خيرالدين، الأعلام، بيروت، دارالعلم للملایين، ۱۹۸۰م.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۰۳ق.
- صفدى، خليل بن ابيك، الوافي بالوفيات، تحقيق أحمد الأرنؤوط و تركى مصطفى، بيروت، دار احیاء التراث، ۲۰۰۰م.
- صنعانى، عبدالرزاق بن همام، المصنّف، تحقيق حبيب الرحمن اعظمى، بيروت، منشورات المجلس العلمى، بی تا.
- طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق حمدى عبدالمجيد، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، مؤسسۃ الاعلمى للمطبوعات، بی تا.
- طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الأمم والملوك، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- طوسى، محمد بن حسن، الأمالى، تحقيق قسم الدراسات الاسلاميه، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- على، جواد، المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام، بيروت، دارالساقى، ۲۰۰۱م.
- قرطبى، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، تحقيق احمد عبدالعليم البردونى، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- کورانى، على، جواهر التاريخ، قم، دارالهدى، ۱۴۲۵ق.
- كحاله، عمر رضا، معجم قبائل العرب، ط الثانيه، بيروت، دار العلم للملایين، ۱۳۸۸ق.
- مجلسى، محمداقبر، بحار الانوار، تحقيق محمداقبر بهبودى، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۴ق.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الأمالى، تحقيق حسين استادولى و على اكبر غفارى، قم، جامعۃ مدرسين، ۱۴۰۳ق.
- مونس، حسين، تاريخ قريش، ترجمۃ على رضا شبخى، مشهد، بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۳۹۵.
- نصر بن مزاحم، وقعة صفين، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ۱۳۸۲.
- نويختى، حسن بن موسى، فرق الشيعة، بيروت، دارالأضواء، ۱۴۰۴ق.
- نوبرى، احمد بن عبدالوهاب، نهاية الارب فى فنون الادب، بی جا، بی نا، بی تا.
- واقدى، محمد بن عمر، الرده، تحقيق يحيى جبورى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ۱۴۱۰ق.
- واقدى، محمد بن عمر، المغازى، تحقيق مارسدن جونس، بيروت، دانش اسلامى، ۱۴۰۵ق.
- هيثمى، على بن ابى بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، بی تا.